

Discursive transformation in Quranic verses within the repository of military secrets based on Norman Fairclough's theory

Mohsen Golshanzadeh^a, Mohsen Izadiar^{b*}, Fatemeh Ghahremani^c

^a PhD Student, Department of Persian Literature, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

^b Assistant Professor, Department of Persian Literature, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

^c Assistant Professor, Department of Persian Literature, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

KEYWORDS

The Quran, the repository of secrets, critical discourse, Norman Fairclough

Received: 09 September 2025;

Accepted: 02 February 2026

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/paq.2026.2071264.4063

ABSTRACT

One of the most famous theories of discourse mining is Norman Fairclough's theory of critical discourse analysis, which deals with situational and textual context with two social and linguistic approaches. This new method helps to construct social identities, social relations, knowledge systems, and meaning. According to Fairclough, discourse has three functions: identity, relational, and thought. In each analysis, two dimensions of discourse are considered, namely the communicative event, which is an example of applied language, including: an article, a newspaper, an interview, or a political speech, and the discourse order, the configuration of all discourses that are of focal importance within an institution or social realm. Fairclough considers each use of language to be a communicative event that has three dimensions: text, discursive, and social practice. The article Discourse Transformation in the Quranic Verses of the Repository of Secrets, based on the theory of Kalaf, has attempted to express the relationship between the internal and external criteria of the text, and the dominant power of the society in which the literary work was formed from a three-dimensional perspective: describing, interpreting, and explaining the military influence of the noble Quranic verses used in the Repository of Secrets, and has analyzed the manifestation of this metatextual influence in the military verses in this enduring work on social classes and official discourse. The result of the research at the three-dimensional level: description in the structure of the text, such as ideological words and sentences, interpretation in the dominance of divine discourse over the discourses of kings and arrogant people, and in explaining the influence of the metatext and official discourse on society and personalities, precisely contains the result of the research and research in an objective and public manner.

* Corresponding author.

E-mail address: m-izadyar@iaau.ac.ir



تحول گفتمانی در آیات قرآنی در مخزن الاسرار نظامی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف

محسن گلشن زاده^{الف}، محسن ایزدیاری^ب، فاطمه قهرمانی^ج^{الف} دانشجوی دکتری، گروه ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد، اراک، ایران، mohsen.gholshanzadeh@iau.ac.ir^ب استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد، اراک، ایران، m-izadyar@iau.ac.ir^ج استادیار گروه ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد، اراک، ایران، gahremani712@iau.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن، مخزن الاسرار، گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف	یکی از مشهورترین نظریه‌های گفتمان کاوی، نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است که با دو رویکرد اجتماعی و زبان‌شناختی به بافت موقعیتی و متنی می‌پردازد. این روش نو به ساخت هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، نظام‌های دانش و معنا کمک می‌کند. در نظر کلاف، گفتمان دارای سه کارکرد هویتی، رابطه‌ای و اندیشه‌ای است و در هر تحلیل دو بعد گفتمان یعنی رویداد ارتباطی که نمونه‌ای از زبان کاربردی شامل: مقاله، روزنامه، یک مصاحبه یا سخنرانی سیاسی و نظم گفتمان، پیکره‌بندی همه گفتمان‌هایی که در درون یک نهاد یا قلمرو اجتماعی، دارای اهمیت کانونی می‌پردازد. کلاف هر کاربرد زبان را یک رویداد ارتباطی می‌داند که دارای سه بعد متن، کردار گفتمانی و اجتماعی است. مقاله تحول گفتمانی در آیات قرآنی مخزن الاسرار بر اساس نظریه کلاف، تلاش نموده که ضمن بیان رابطه میان ملاک‌های درونی و بیرونی متن، قدرت مسلط جامعه را که اثر ادبی در آن شکل گرفته است از نگاه سه بعدی: توصیف، تفسیر و تبیین تاثیرپذیری نظامی از آیات شریف قرآنی مورد استفاده در مخزن الاسرار را مورد کنکاش قرار داده و نمود این تاثیر فرامتن را در ابیات نظامی در این اثر ماندگار بر اقشار اجتماعی و گفتمان رسمی، واکاوی نموده است که نتیجه تحقیق در سطح سه بعدی: توصیف در ساختار متن، همچون واژگان و جملات ایدئولوژی، تفسیر در غلبه گفتمان الهی در برابر گفتمان‌های سلاطین و مستکبران و در تبیین، تاثیرگذاری فرامتن و گفتمان رسمی بر جامعه، شخصیت‌ها، دقیقاً نتیجه تحقیق و پژوهش را به صورت عینی و علنی در بر دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

بررسی آثار ادبی اعم از منظوم و منثور، با رویکرد تاثیر از آیات قرآنی، از قدیم مدنظر و مطالعه محققین بوده است. ولیکن امروزه با توجه به روش‌های نوین در نقد آثار ادبی، مبتنی بر نظریه‌های ادبی، کم‌تر مورد عنایت منتقدین بوده است. مخزن الاسرار نظامی هم از این امر مستثنی نیست. لذا در این مقاله حاضر سعی شده است، آیات قرآنی در مخزن الاسرار نظامی، خاصه در مقدمات این اثر، از حیث تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بررسی، نقد و تحلیل شود. توجه به رویکرد های "توصیف، تفسیر و تبیین" که از کلید واژه های کلاف است در تحلیل مخزن الاسرار لحاظ شده است. نظامی از حکیمان و شاعران قرن ششم به مقتضای تسلطش بر حکمت، اخلاق، فلسفه، منطق، نجوم،

کلام، فقه، قرآن و حدیث و... توانسته است ادبیت خاص، توأم با ایدئولوژی، قدرت حکیمانه و شاعرانه خویش را به ویژه در مقدمه آثارش به نمایش بگذارد. مقاله حاضر، ابتدا به شرح گفتمان قرآنی در مخزن الاسرار می پردازد، سپس تحولات گفتمانی شاعر را در استفاده از آیات نشان می دهد به گونه ای که سه رویکرد کلاف در تحلیل گفتمان، رعایت خواهد شد. نورمن فرکلاف کیست؟ گفتمان چیست؟ تحلیل گفتمان یعنی چه؟ مراد از تحلیل گفتمان انتقادی چیست؟ رویکردهای سه گانه کلاف در تحلیل گفتمان انتقادی کدامند؟ گفتمان های اصلی آیات به کار رفته در مخزن الاسرار چیست؟ گفتمان نظامی در استفاده از این آیات به چه صورت آمده است و چه تغییراتی کرده است؟

۲. پیشینه تحقیق

۲.۱. مطالعات معاصر درباره مخزن الاسرار نظامی

بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که در شروح و مطالعات مربوط به مخزن الاسرار نظامی، شارحان و پژوهشگران گاه به آیات قرآنی اشاره کرده اند، اما این اشارات غالباً گذرا بوده و بسیاری از آیات، به ویژه آیاتی که نظامی آن ها را به شیوه ای الهامی و بنیادین در ساختار معنایی اثر خود به کار گرفته است، مغفول مانده اند. افزون بر این، تاکنون پژوهشی مستقل که به تحلیل این آیات از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بپردازد، شناسایی نشده است. از این رو، می توان گفت بررسی بنیان های گفتمانی آیات قرآنی در مخزن الاسرار بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، افق تازه ای در شرح و تفسیر این اثر تعلیمی می گشاید و باب جدیدی در مطالعات میان رشته ای قرآن و ادبیات کلاسیک فارسی می افزاید.

در میان پژوهش های معاصر مرتبط با مخزن الاسرار، برخی مطالعات با رویکردهای بلاغی، سبکی و مکتبی به بررسی این اثر پرداخته اند. از جمله، اصغری و بهرامی (۱۴۰۳) در نشریه مطالعات زبانی و بلاغی (پیاپی ۳۵)، به بررسی وجوه مختلف فشرده سازی در شعر با تأکید بر منظومه مخزن الاسرار پرداخته اند. این پژوهش با تمرکز بر ایجاز و تحلیل ابیاتی که در آن ها معنای منتقل شده گسترده تر از الفاظ به کار رفته است، مصادیق فشرده سازی را استخراج کرده و شگردهای آن را در دو حوزه دستوری و بلاغی دسته بندی نموده است. در حوزه دستوری، ایجاز حذف، ترکیب سازی و تعدد افعال، و در حوزه بلاغی، تمهیداتی چون تزاحم تصاویر، استعاره های چندلایه، ایهام، تلمیح، متناقض نمایی و اقتباس به عنوان شیوه های برجسته فشرده سازی معرفی شده اند.

همچنین برخی از پژوهش های معاصر در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از نظریه نورمن فرکلاف به بررسی متون دینی و ادبی پرداخته اند. مقاله ای از قلی پور و همکاران (۱۴۰۲) به تحلیل گفتمان انتقادی کتاب عرفانی معارف بهاءولد با رویکرد فرکلاف اختصاص دارد که نشان می دهد گفتمان معنوی و فرهنگی متن در تعامل با زمینه های اجتماعی و ایدئولوژیک شکل می گیرد.

همچنین، به نوشته صالحی و افشار (۱۴۰۲) تحلیل گفتمان سوره قص و داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم براساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف انجام شده که در هر دو مورد لایه های پنهان معنایی و نقش فرامتن در شکل گیری گفتمان دینی بررسی گردیده است.

افزون بر این، مطالعات پارسا مصطفی و منعی (۱۴۰۲) در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی اشعار حماسی عاشورا و تحلیل اسماء و صفات الهی در آثار نظامی نیز با استفاده از این الگو انجام شده که ظرفیت تحلیل گفتمان انتقادی در واکاوی گفتمان های ادبی - دینی را نشان می دهند.

در پژوهشی که توسط کریمی و همکاران (۱۴۰۲) انجام شد، آیات قرآن درباره مجاهدت و جهاد با استفاده از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بررسی شدند. این تحقیق با تمرکز بر سه سطح تحلیل گفتمان انتقادی شامل توصیف، تفسیر و تبیین، نشان داد که چگونه گفتمان قرآنی ساحت‌های مجاهدت را بازتعریف می‌کند و مناسبات قدرت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را بازنمایی می‌نماید. نتایج مطالعه بیانگر آن است که زبان و ساختار گفتمانی قرآن علاوه بر بازنمایی هنجارهای دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به کنش‌های اجتماعی و بازتولید مناسبات قدرت دارد. این مطالعه نمونه‌ای از کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل متون دینی و فهم بازنمایی ایدئولوژیک موضوعات کلان قرآنی است.

در پژوهشی دیگر، صادقی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی آیات قرآن درباره منافقان پرداختند و از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده کردند. در این تحقیق، آیات موردنظر در سه سطح در سطح توصیف، واژگان و ساختارهای متنی هویت گفتمانی منافقان را بازنمایی می‌کند؛ در سطح تفسیر، بافت موقعیتی و تأثیرات اجتماعی آن روشن می‌شود؛ و در سطح تبیین، مناسبات اصلاحی قرآن و بازتولید هنجارهای قدرت الهی تحلیل می‌گردد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحلیل گفتمان انتقادی ابزار مؤثری برای آشکارسازی مناسبات زبان، ایدئولوژی و قدرت در متون دینی است و می‌تواند مبنای تحلیل گفتمان قرآنی در آثار ادبی مانند مخزن الاسرار قرار گیرد.

همچنین آذرنیوار و محرمی (۱۴۰۳) در نشریه قند پارسی (دوره ۷، شماره ۲۴)، با هدف بررسی وجوه و مختصات برجسته مکتب رمانتیسم در مخزن الاسرار، این منظومه را بر اساس مؤلفه‌های رمانتیک تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش، ضمن تبیین زمینه‌های اندیشه رمانتیکی همچون طبیعت‌گرایی، عشق، کشف و شهود و آزادی، نمود این خصایص با تأکید بر صور خیال، از جمله تشبیه و استعاره، بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که نظامی با بهره‌گیری گسترده از عناصر طبیعت و خیال، تصاویری زنده و درون‌نگر خلق کرده و با استفاده از استعاره‌هایی با ظرفیت بالا، مرز میان انسان و طبیعت، اندیشه و شیء، و زبان و جهان واقعی را کمرنگ ساخته است؛ امری که سبب افزایش بسامد استعاره مکنیه، تشبیه و تشخیص در مخزن الاسرار شده است.

با وجود ارزش علمی این پژوهش‌ها، تمرکز آن‌ها عمدتاً بر وجوه بلاغی، سبکی یا مکتبی اثر بوده و به تحلیل گفتمان قرآنی و ابعاد ایدئولوژیک و قدرت‌محور آیات به‌کاررفته در مخزن الاسرار نپرداخته‌اند.

۲.۲. چارچوب نظری: مفهوم گفتمان و گفتمان‌کاوی و تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

در تعریف گفتمان آمده است که «توجه به فهم زبان در بافت» را گفتمان می‌نامند (مکاریک، بی‌تا: ۲۵۶-۲۵۷). همین مأخذ، گفتمان را «بیان گزاره‌هایی از جهان که می‌توانند صادق یا کاذب باشند» معرفی می‌کند (همان: ۲۵۷). باین حال، فرکلاف فراتر از این تعاریف، بر این باور است که تحلیل متن نباید در سطح واژگان و جملات متوقف بماند، بلکه باید به لایه‌های عمیق‌تر معنایی، اجتماعی و ایدئولوژیک متن نفوذ کند (کارن، ۱۳۸۰: ۱۲۳) و با نگاهی بینامتنی، پیوند متن با سایر متون و بافت‌های گفتمانی بررسی شود (ر.ک: فرکلاف، ۱۹۹۵: ۱۸-۳۱).

مکاریک این رویکرد را «گفتمان‌کاوی» می‌نامد و آن را روشی میان‌رشته‌ای می‌داند که بر بررسی هم‌زمان ابعاد زبانی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد (مکاریک، بی‌تا: ۲۶۰؛ نیز ر.ک: فرکلاف، ۱۹۹۵: ۲۸-۳۱). به بیان دیگر،

گفتمان دربرگیرنده توصیف عناصر زمانی و ساختاری متن و تفسیر ایدئولوژیک آن است (ر.ک: آقاگل زاده، ۱۳۹۱: ۲) و این فرایند در سطح تبیین، با آشکارسازی قدرت حاکم بر زبان متن و ایدئولوژی نهفته در آن تکمیل می‌شود (مکاریک، بی تا: ۲۶۰؛ نیز ر.ک: مدرسی، ۱۳۹۰: ۴۰۳؛ آقاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

نورمن فرکلاف^۱ زبان شناس و پژوهشگر بریتانیایی و استاد بازنشسته دانشگاه لنکستر است. وی نخستین کتاب خود را با عنوان زبان و قدرت در سال ۱۹۸۹ توسط انتشارات لانگمن منتشر کرد و چاپ دوم آن را با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی به چاپ رساند (فرکلاف، ۱۳۵۹؛ ۱۳۹۹). این اثر که در هفت بخش تنظیم شده است، توسط انتشارات جنگل به زبان انگلیسی نیز منتشر شده است (فرکلاف، ۱۳۹۳: ۶۰۸). آنچه از این کتاب برمی آید آن است که فرکلاف به عنوان زبان شناس و جامعه شناس انتقادی، زبان را در پیوندی تنگاتنگ با قدرت و ایدئولوژی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان، امکان شناسایی روابط قدرت و بازنمایی ایدئولوژیک را در متون دینی و ادبی فراهم می‌آورد و می‌تواند به طور ویژه در بررسی آیات قرآنی به کاررفته در مخزن الاسرار برای کشف لایه‌های پنهان معنایی و تأثیرات گفتمانی اثرمند باشد. این چارچوب، زمینه‌ای نظری برای تحلیل گفتمان انتقادی در متون میان‌رشته‌ای قرآن و ادبیات کلاسیک فارسی ارائه می‌دهد.

گل آقازاده فردوس در مقاله «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، با مروری بر خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی و معرفی مکاتب نظری اثرگذار بر شکل‌گیری آن، به بررسی اشتراکات و افتراقات رویکردهای مختلف این حوزه می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که هر چند این رویکردها از حیث بنیان‌های نظری و ابزارهای تحلیلی تفاوت‌هایی بنیادین با یکدیگر دارند، اما سه مؤلفه اساسی «انتقاد»، «قدرت» و «ایدئولوژی» در تمامی آن‌ها مشترک است (گل آقازاده فردوس، ۱۳۸۶). نویسنده با تأکید بر ماهیت میان‌رشته‌ای تحلیل گفتمان انتقادی، بر وجود رابطه‌ای دیالکتیکی میان زبان، فرهنگ، جامعه و سیاست تصریح می‌کند و در عین حال، به نوعی گرایش به گزینش‌گری و پرهیز از پایبندی به یک روش تحلیلی واحد اشاره دارد؛ به گونه‌ای که تحلیل گفتمان انتقادی را نمی‌توان به مثابه یک نظریه منسجم و بسته تلقی کرد، بلکه باید آن را رویکردی انتقادی و انعطاف‌پذیر دانست که بسته به متن و بافت اجتماعی، از ابزارهای متنوع بهره می‌گیرد (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶).

کلانتری صمد در مقاله علمی-پژوهشی «تحلیل گفتمان انتقادی» این رویکرد را به عنوان روشی کیفی و میان‌رشته‌ای معرفی می‌کند که ریشه در زبان شناسی دارد. وی یادآور می‌شود که اصطلاح «تحلیل گفتمان» برای نخستین بار توسط زلیک هریس به کار رفته است و هدف اصلی آن، ارائه شیوه‌ای نوین برای مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست و پدیده‌های اجتماعی است (کلانتری صمد، ۱۳۸۸). بر این اساس، تحلیل گفتمان در زمره روش‌های تحقیق کیفی قرار می‌گیرد که به منظور کشف معناها و شیوه‌های دلالت‌سازی در متن یا گفتار به کار می‌رود و کاربرد آن به حوزه‌هایی چون سیاست، رسانه و اجتماع گسترش یافته است. نویسنده تحلیل گفتمان انتقادی را حاصل سیر تکوینی مطالعات زبان‌شناختی می‌داند که در آن، تحلیل گفتمان از نظر نظری و روش‌شناختی از سطح صرف توصیف متون به سطح تبیین ارتقا یافته و از حیث دامنه پژوهش نیز از بافت موقعیتی فردی به سطح کلان، یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی، گسترش پیدا کرده است. در این رویکرد، نقد ایدئولوژی و مناسبات قدرت بیش از سایر انواع تحلیل گفتمان مورد توجه قرار می‌گیرد و زبان به مثابه ابزاری برای بازتولید یا به چالش کشیدن ساختارهای قدرت

^۱ Norman Fairclough, Born in 1941.

تحلیل می‌شود (نشریه مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۳۸۸).

یحیایی ایله‌ای احمد در مقاله «تحلیل گفتمان چیست؟» به تحلیل گفتمان به‌عنوان گرایش میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی می‌پردازد که ریشه‌های نظری آن را می‌توان در جنبش انتقادی، تأویل‌گرایی هرمنوتیکی هانس گنورگ گادامر و رویکردهای تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو جست‌وجو کرد (یحیایی ایله‌ای، ۱۳۹۰). وی تأکید می‌کند که بنیان فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل صرف متن، نوشتار یا گفتار است و گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که پیرامون یک مفهوم یا معنای کلان سامان می‌یابند. از دیدگاه او، تحلیل گفتمان از چارچوب کلاسیک ارتباطی هارولد لاسول - شامل تحلیل فرستنده، پیام، وسیله و گیرنده - عبور کرده و به بررسی لایه‌های عمیق‌تر معنا، روابط قدرت و زمینه‌های اجتماعی تولید معنا می‌پردازد. همچنین، یحیایی ایله‌ای با اشاره به پیوند تحلیل گفتمان و هرمنوتیک، نشان می‌دهد که این رویکرد از یک‌سو از ریشه‌های روان‌شناختی هرمنوتیک شلایرماخر و از سوی دیگر از بنیان‌های جامعه‌شناختی نظریات گادامر بهره می‌گیرد؛ امری که تحلیل گفتمان را به ابزاری کارآمد برای تفسیر متن در بسترهای تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیک تبدیل می‌کند (نشریه تحقیقات روابط عمومی، ۱۳۹۰).

حسینی فر، عبدالرحمان در مقاله‌ای علمی، تحلیل گفتمان را از جمله روش‌هایی می‌داند که برای دستیابی به سطوح عمیق‌تر داده‌ها و اطلاعات قابل استفاده است و آن را روشی تفسیری می‌شمارد که اجرای آن تابع ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاص خود است (حسینی فر، ۱۳۹۳). از دیدگاه وی، تحلیل گفتمان در زمره روش‌های تحقیق کیفی قرار می‌گیرد و در این رویکرد، درک، استنباط و افق تفسیری پژوهشگر نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع داده‌ها، نحوه استخراج معنا و شیوه تبیین یافته‌ها دارد. حسینی فر هدف اصلی مقاله خود را بررسی ابعاد و مشخصه‌های تحلیل گفتمان به‌منزله یک روش مفهومی معرفی می‌کند و برای تبیین این رویکرد، محورهایی همچون «سطح سطح»، «عمق سطح» و «عمق عمق» را مطرح می‌سازد. این سطوح تحلیلی نشان می‌دهند که تحلیل گفتمان صرفاً به توصیف ظاهری متن محدود نمی‌شود، بلکه با عبور از لایه‌های سطحی، به کشف سازوکارهای پنهان معنا، ایدئولوژی و روابط قدرت در متن می‌پردازد؛ امری که آن را به ابزاری کارآمد برای مطالعه متون ادبی، اجتماعی و دینی در بسترهای کلان فکری و گفتمانی تبدیل می‌کند (فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ۱۳۹۳).

۳.۲. کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در پژوهش‌های معاصر علوم انسانی

در فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال نهم، شماره ۱ (بهار ۱۴۰۰)، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمانی انتقادی سوره قص بر اساس نظریه نورمن فرکلاف» منتشر شده است که به گفتمان کاوی این سوره در سطوح سه‌گانه توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سطح توصیف، با تحلیل ساختار متنی، ایدئولوژی تبیین شده است؛ در سطح تفسیر، غلبه گفتمان الهی در برابر گفتمان‌های استکباری آشکار است؛ و در سطح تبیین، تأثیرگذاری فرامتن و گفتمان رسمی بر جامعه و آینده شخصیت‌ها نمود می‌یابد.

در مقاله‌ای علمی - پژوهشی از دانشگاه فردوسی مشهد، سیدی و محفوظی موسوی‌وفا نیز با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف به گفتمان کاوی سوره قص پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در سطح توصیف، ایدئولوژی از طریق ساختارهای زبانی آشکار می‌شود، در سطح تفسیر، گفتمان الهی بر گفتمان‌های

استکباری غلبه دارد و در سطح تبیین، نقش تعیین کننده فرامتن و گفتمان رسمی بر جامعه و شخصیت‌ها نمایان می‌گردد. همچنین پژوهشگران این مطالعه به بررسی نقش واژگان کلیدی، ساختارهای نحوی و سبک‌های بلاغی در بازنمایی قدرت پرداخته و نشان داده‌اند که چگونه این عناصر زبانی به تثبیت یا نقد روابط قدرت و سلطه در متن دینی کمک می‌کنند.

همچنین ذوالفقاری (۱۳۹۸) در نشریه پژوهش‌های ادبی قرآنی با بررسی آیات تحدی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به تبیین رابطه میان ملاک‌های درونی و بیرونی متن پرداخته و نشان داده است که چگونه اشکال زبانی و نشانه‌های متنی در بازنمایی قدرت مسلط جامعه و فضای گفتمانی عصر نزول نقش آفرین هستند. وی با تأکید بر تحلیل نقش ضمائر، افعال امر و واژگان تعلیمی در آیات، نمونه‌های عملی از چگونگی تقویت یا چالش‌گری قدرت گفتمانی ارائه کرده است. امروزه رویکردهای سه‌گانه «توصیف، تفسیر و تبیین» که شالوده نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف را تشکیل می‌دهند، در حوزه‌های گوناگونی چون علوم اجتماعی، پزشکی، گزارش‌های خبری، مناظرات پارلمانی، مطالعات میان‌رشته‌ای دین و ادبیات و دیگر عرصه‌های علمی و کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در ایران نیز این شیوه تحلیلی در قالب نقد کتاب، بررسی مقالات، تحلیل ترجمه‌ها، مطالعات گفتمانی و تحلیل محتوای رسانه‌ای به کار گرفته شده است و توانسته است دیدگاه‌های تازه‌ای درباره بازنمایی قدرت، ایدئولوژی و فرهنگ در متون مختلف ارائه دهد (ر.ک: محسنی، بی‌تا: ۱۳۹ و ۱۶۳؛ یارمحمدی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۹).

۳. جایگاه و خلأ پژوهش حاضر

با توجه به آنچه به عنوان بررسی پیشینه پژوهش گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات قرآنی و نیز پژوهش‌های متعددی درباره مخزن الاسرار انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی که به طور خاص به تحلیل گفتمان انتقادی آیات قرآنی مرتبط با قدرت در مخزن الاسرار نظامی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف بپردازد، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی انتقادی تجلیات گفتمان قرآنی قدرت در این اثر ماندگار، لایه‌های پنهان ایدئولوژیک و گفتمانی آن را آشکار سازد و بدین وسیله پاسخی به بخشی از پرسش‌ها و ابهام‌های پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه ارائه دهد.

۴. تحلیل انتقادی گفتمان در ابیات منتخب مخزن الاسرار با تأکید بر سه رویکرد فرکلاف

گفتمان قرآنی در ادبیات فارسی کلاسیک، به ویژه در آثار نظامی، نه تنها منبع الهام معنایی و مفهومی است، بلکه نقش مهمی در بازتولید و تثبیت ایدئولوژی و قدرت الهی دارد. نظامی در مخزن الاسرار با استفاده از آیات قرآنی، گفتمان قدرت و حکمت الهی را به شیوه‌ای شاعرانه بازنمایی می‌کند. این بازنمایی، با حفظ ماهیت ایدئولوژیک متن قرآنی، امکان انتقال پیام و معنا را به مخاطب فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه شعر کلاسیک فارسی می‌تواند همزمان تابع و مبدع گفتمان الهی باشد؛ تحلیل گفتمان انتقادی ابیاتی از مخزن الاسرار، تا حدی که بتواند سه رویکرد توصیف، تفسیر و تبیین را از دیدگاه فرکلاف اثبات نماید، در ذیل آمده است:

۴.۱. آغاز اثر با «بسم الله» و بازنمایی گفتمان بلاغی و دستوری

شاعر در آغازین ابیات مخزن الاسرار می‌آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدایست بر او ختم کن (نظامی، مخزن الاسرار، ص ۲)

در رویکرد توصیفی این دو بیت، می‌توان گفت که شاعر به سبک قرآن کریم، مخزن الاسرار را با «بسم الله» آغاز می‌کند. این آیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین آیات قرآن ذکر شده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۸) و عظمت آن تا حدی است که در آغاز ۱۱۳ سوره قرآن با معانی خاص به‌کار رفته است. آنچه در سبک کاربرد زبانی نظامی از این آیه قابل توجه است، نقش دستوری آن است؛ زیرا شاعر آیه را به‌عنوان نهاد جمله می‌آورد و می‌گوید: «بسم الله الرحمن الرحیم کلید در گنج حکیم است»، حال آنکه در گفتمان قرآنی، این آیه به صورت مستقل و بدون چنین تعلقات زبانی ظاهر می‌شود.

واژه «کلید» نیز در بیت نظامی نقش مسندی پیدا می‌کند، حال آنکه در آیه قرآن چنین گفتمانی وجود ندارد. از سوی دیگر، عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» در قرآن از لحاظ زبانی مستقل و بدون تعلقات می‌آید، اما نظامی بر آن افزوده و بدین ترتیب، گفتمان بلاغی آیه را تغییر می‌دهد. او آیه را در مقام تشبیه، به عنوان مشبه می‌آورد و «کلید» را به‌عنوان مشبه به ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد در عصر نظامی و فضای اجتماعی قرن ششم، سنت رایج بوده است که هنگام گشودن در خانه، ابتدا «بسم الله» گفته می‌شده و سپس با کلید، در گشوده می‌شد.

در تعبیر گفتمانی-بلاغی بیت، عبارت «گنج حکیم» نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. شاعر به گونه‌ای سخن می‌گوید که واژه «حکیم» در مقام ایهام تناسب، هم به خداوند و هم به خود شاعر بازمی‌گردد. «گنج» نیز برای حکیم همان هنر سازه‌ای ایهام تناسب را دارد؛ به طوری که می‌تواند هم به قرآن به تعبیر «القرآن کنز» مربوط باشد و هم به مخزن یعنی جای گنج، که همان مخزن الاسرار است.

نکته دوم آن است که نظامی گرچه در مقام توصیف زبان و زیبایی آیه را به شکل بسیار زیبا متحول می‌کند، در مقام تفسیر همان ایدئولوژی حاکم در آیه را رعایت می‌کند، یعنی تأکید می‌کند که هر امری باید با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز شود.

نکته سوم آن است که در مقام تبیین، نظامی قدرت زبانی و شاعرانگی خود را به رخ می‌کشد. اگرچه گفتمان قدرت در رویکرد ایدئولوژیک همان خداوند و نام خداست، نظامی معتقد است که هر امری بدون نام خداوند ابتر می‌ماند. در بیت دوم نیز، شاعر ضمن حفظ ماهیت سخن در باب «بسم الله الرحمن الرحیم»، هم در زبان و هم در تفسیر، تعبیر جدیدی می‌آورد که از ظاهر آیه قابل درک نیست:

فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدایست بر او ختم کن (نظامی، مخزن الاسرار، ص ۲)

شاعر ضمن توجه به آیه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ...» («اوست اول و آخر...» (حدید، آیه ۱۳)، در مصراع اول، تعبیر متقابل «فاتحه» و «ختم» را به‌کار می‌گیرد و در کاربرد «ختم کن» به معنای «بسند کن» نیز ایهام زبانی خاصی می‌آفریند. شاعر ضمن رعایت ایدئولوژی آیه که می‌فرماید «خدا اولی است که اول ندارد و آخری است که آخر ندارد»، کلینی نکته مذکور را به‌خوبی توضیح داده است (کلینی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۱۵-۱۱۶). با این حال، نظامی در مقام توصیف گفتمانی، قدرت زبانی و بلاغی خود را به‌خوبی نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ابیات، هم ایدئولوژی و هم زیبایی هنری را هم‌زمان بازنمایی کرد.

۲.۴. بازنمایی قدرت الهی و توانمندی شاعر در عرصه زبان و موسیقی

شاعر در ابیات زیر، قدرت و عظمت خداوند را در عرصه زبان و موسیقی، همراه با ترکیب‌سازی‌ها، بازنمایی می‌کند؛ همان موضوع که در آیه آمده است: «خداوند اولی است که اول ندارد و آخری است که آخر ندارد». در بیت زیر، با هنر سازه تقابل، این معنا بیان می‌شود:

پیش وجود همه آیندگان / بیش بقای همه پایندگان (نظامی، مخزن الاسرار: ۲)

به بیان دیگر، با بهره‌گیری از هنر ایجاز، شاعر می‌گوید که خداوند وجودش از موجودات فناپذیر پیش‌تر بوده و بقایش نیز از موجوداتی که در هستی دوام بیشتری دارند، برتر است. بنابراین، شاعر همان ایدئولوژی آیه را در مقام تفسیر گفتمانی تکرار می‌کند، اما قدرت گفتمانی او در سطح تبیین، متجلی در زبان، ترکیب‌سازی‌ها، هنر سازه‌ها و موسیقی شعر است.

۳.۴. بازنمایی فرمانروایی الهی و پیچیدگی گفتمانی در زبان شاعرانه

در بیت: سابقه سالار جهان قدم / مرسله پیوند گلی قلم (همان: ۲)

شاعر می‌توانست به زبان ساده بیان کند که خداوند فرمانده جهان است و اوست که بر گلی قلم، گردنبندی آویزان کرده است. با این حال، در مقام توصیف، از لفظ «سالار» برای خداوند و «قدیم» برای جهان استفاده می‌کند و سپس «مرسله» یا گردنبند زیبا را استعاره‌ای برای «کتابت» به‌عنوان بهترین زیور قلم قرار می‌دهد. بدین ترتیب، زبان گفتمان را پیچیده و هنرمندانه می‌سازد. ابهام بیت در سطح توصیف گفتمانی دوچندان می‌شود؛ زیرا شاعر «سالار» را از قرآن گرفته و با ترکیب «سابقه سالار» معنایی تازه و شاعرانه خلق می‌کند. در آیات قرآن، لفظ «جنود» یا سپاهیان به خداوند نسبت داده شده و او را فرمانده جهان هستی معرفی می‌کند: «... وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...» «و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست...» (فتح، آیات ۴ و ۷). در مصراع دوم، با اشاره به آیه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» «نون سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند» (القلم، آیه ۱)، زینت «کتابت» را برای قلم می‌آورد: سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد. تحلیل گفتمان انتقادی این بیت نشان می‌دهد که شاعر در مقام تفسیر گفتمانی همانند آیه عمل می‌کند و خداوند را فرمانده جهان می‌داند، اما اسناد موجود در آیه را در سطح توصیف گفتمانی کاملاً تحول می‌بخشد. به این ترتیب، ضمن توجه به قدرت خداوند، آن را به شیوه‌ای شاعرانه و هنرمندانه بیان می‌کند.

۴.۴. تحلیل گفتمانی بیت «روضه ترکیب تو را حور از اوست» و تجلی قدرت خداوند در روح و جسم انسان

در بیت: روضه ترکیب تو را حور از اوست / نرگس بینای تو را نور از اوست (نظامی، مخزن الاسرار: ۴)

گفتمان مصراع اول در مقام واقع این است که شاعر می‌گوید: «این روحی که در جسم زیبای تو وجود دارد، از خداست» که دقیقاً به بخش اول آیه یعنی «انا لله» از آیه «... إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» «... ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم» (بقره، آیه ۱۵۶) مرتبط است و در مقام تفسیر گفتمانی، حرف نظامی و محتوای آیه هم‌راستا هستند. از سوی دیگر، زبان آیه صریح و واژگان حقیقی است، در حالی که شاعر در مقام توصیف گفتمانی، ترکیبات «روضه ترکیب» را برای جسم انسان و «حور» را استعاره از روحی که در جسم است می‌آفریند و «را» در مصراع اول به عنوان کسره اضافه نیز بر تحول زبانی‌اش می‌افزاید.

از حیث ایدئولوژی حاکم و تفسیر گفتمانی نیز کلام شاعر درباره روح و انسان دقیقاً با گزاره قرآنی یکسان است. نکته حائز اهمیت این است که شاعر در مقام تشبیه، «ترکیب» انسان را «روضه» مانند می‌کند که کاملاً به صورت بنیادین متأثر از آیه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» «که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده ایم» (طین،

آیه ۴) است و به تعبیر طبرسی: «به عزتم سوگند که آفریدیم آدمی را در نیکوتر صورت و شکلی» (طبرسی، ۱۳۵۹: ۱۶۵). به عبارت دیگر، نظامی «ترکیب» را همان «تقویم» می‌داند که مراد جسم انسان است. به همین سبب، به واسطه هنر سازه‌ها و عناصر زبانی، در تبیین گفتمانی، زبان عامل قدرت در بیت شناخته می‌شود و به اذعان شاعر و آیه، خداوند در تفسیر گفتمانی این بیت قدرت مطلق است که همه از خدا هستند و به خدا بازمی‌گردند.

۴. ۵. تحلیل گفتمان انتقادی بیت «زلف زمین در بر عالم فکند و خال عصی بر رخ آدم فکند» با تأکید بر تغییر فاعل و نقش استعاری در گفتمان نظامی

در بیت: زلف زمین در بر عالم فکند خال عصی بر رخ آدم فکند (نظامی، مخزن الاسرار: ۵) شاعر در مصراع دوم به آیهی «... وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» («... آدم به پروردگار عصیان ورزید و بیراهه رفت») (طه، آیه ۱۲)؛ اشاره می‌کند، اما در تحلیل گفتمانی، ایدئولوژی حاکم در آیه را تغییر می‌دهد و فاعل «عصی» را به خداوند نسبت می‌دهد که برگرفته از آیه است. از سوی دیگر، اسناد واقعی موجود در آیه با تشبیه «خال عصی» آراسته می‌شود که در توصیف گفتمانی بیت اهمیت ویژه‌ای دارد. در سطح تبیین، عناصر قدرت شاعر آشکار می‌شود و خداوند به عنوان قادر مطلق مطرح می‌گردد، در حالی که شاعر قدرت زبانی و ادبی خود را نیز به نمایش می‌گذارد.

۴. ۶. تحلیل گفتمان انتقادی بیت «نسخ کن این آیت ایام را، مسخ کن این صورت اجرام را» با تأکید بر موازنه، موسیقی واژگان و بازسازی مفهوم آیت در گفتمان نظامی

رویکردهای اجتماعی در گفتمان نظامی گاه زبان و اندیشه شاعر را متحول می‌کند و با آوردن هنر سازه‌ها و عناصر زبانی همراه می‌شود. او می‌گوید:

نسخ کن این آیت ایام را مسخ کن این صورت اجرام را (همان: ۸)

در توصیف گفتمانی، شاعر تلاش دارد ضمن رعایت موازنه و موسیقی واژگان، ترکیب «آیت ایام» را بیاورد؛ به گونه‌ای که «ایام» را زمانه‌ی خویش به آیه تشبیه می‌کند و در انتقاد از روزگار خود، از خداوند می‌خواهد که این دوران را تغییر دهد. این بیت با اشاره به آیه «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا...» (بقره، آیه ۱۰۶) درخواست روزگار بهتر می‌کند. به بیان دیگر، با توجه به مضمون آیه یعنی «از بین بردن یک آیه و آوردن آیه‌ای بهتر»، شاعر از خداوند جامعه‌ای بهتر طلب می‌کند. اعتقاد شاعر در تفسیر گفتمانی کاملاً با ایدئولوژی آیه منطبق است، ولی تلویحاً از عبارت «آیت ایام» بهره می‌برد، گویی به «قرآن تکوینی» نیز اعتقاد دارد و نظام هستی را مجموعه‌ای از آیات الهی می‌داند. لذا در مقام قدرت، همسو با آیه، خداوند به عنوان قدرت هستی معرفی می‌شود، و در عین حال، شاعر با زبان شاعرانه و ترکیب‌بندی‌های ویژه خود، توانایی زبانی و قدرت ادبی خویش را به نمایش می‌گذارد.

۴. ۷. نمونه‌هایی از حفظ گفتمان قرآنی در مخزن الاسرار و تداوم ایدئولوژی الهی بدون تغییر زبانی گسترده
علی‌رغم تحولات گفتمانی در نمونه‌های فراوان مخزن الاسرار، می‌توان به بخشی از آیات اشاره کرد که شاعر به شیوه‌ای گزارشی و ترجمه‌ای، زبان گفتمان را چندان تغییر نمی‌دهد، ایدئولوژی موجود در آیات و ابیات تقریباً یکی است و قدرت گفتمانی نیز همچنان از آن خداوند است. نمونه‌های زیر این رویکرد را نشان می‌دهند:

۴. ۷. ۱. بیت: پرورش آموز درون پروران روز برآورنده روزی خوران (نظامی، مخزن الاسرار: ۴)

نظامی با تأثیرپذیری مستقیم از آیه «وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» «خداوند روز را آفرید تا روزی خوران کسب روزی کنند»

(بقره، آیه ۱۱)، خداوند را به عنوان فاعل مطلق تدبیر و روزی رسانی در نظام هستی بازنمایی می کند. در سطح توصیف، زبان بیت ساده، گزارشی و عاری از پیچیدگی های بلاغی است و افعال به طور ضمنی به فاعل الهی ارجاع دارند. در سطح تفسیر، ایدئولوژی ربوبیت و سامان بخشی الهی به زندگی انسان برجسته می شود و روز به عنوان ظرف معیشت، نشانه ای از نظم الهی معرفی می گردد. در سطح تبیین، گفتمان قدرت الهی به گونه ای تثبیت می شود که مخاطب، وابستگی معیشت و حیات انسانی به اراده خداوند را امری طبیعی و غیر قابل تردید می پذیرد؛ بدین سان، نظامی با حفظ گفتمان قرآنی، آن را در قالبی شاعرانه و اقناعی بازتولید می کند.

۴. ۷. ۲. بیت: خام کن پخته تدبیرها عذرپذیرنده تقصیرها (همان: ۳)

نظامی در مصراع دوم با رویکردی ترجمه ای و گزارشی، معنای آیه «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا» «باشد که خداشان عفو کند که خدا عفوکننده و آمرزنده است» (نساء، آیه ۹۹) را بازتولید می کند. در سطح توصیف، ساختار زبانی ساده و مستقیم است و صفت «عذرپذیرنده» بی واسطه به فاعل الهی دلالت دارد. در سطح تفسیر، ایدئولوژی رحمت و عفو الهی برجسته می شود و خداوند به عنوان مرجع نهایی بخشش و اصلاح خطاهای انسانی معرفی می گردد. در سطح تبیین، گفتمان قدرت الهی در قالب رحمت و گذشت تثبیت می شود؛ به گونه ای که مخاطب، عفو خداوند را نه حاصل شفاعت یا کنش انسانی، بلکه جلوه ای ذاتی از قدرت و اراده الهی می پندارد.

۴. ۷. ۳. شاعر ابیاتی را می آورد از جمله:

اول و آخر به وجود صفات هست کن و نیست کن کائنات (نظامی، مخزن الاسرار: ۳)

و نیز: بود و نبود آنچه بلند است و پست باشد و این نیز نباشد که هست (همان: ۳)

نظامی با تکیه بر آیه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به همه چیز داناست» (حدید، آیه ۳)، گفتمان توحیدی قرآن را با حداقل دگرگونی مفهومی بازتولید می کند. در سطح توصیف، ساختار تقابلی «اول/آخر» و «بود/نبود» و نیز کاربرد افعال «هست کن» و «نیست کن» انسجام معنایی آیه را در قالبی شاعرانه حفظ می کند. در سطح تفسیر، ایدئولوژی علم و قدرت مطلق الهی برجسته می شود و خداوند به عنوان فاعل یگانه آفرینش و زوال معرفی می گردد. در سطح تبیین، گفتمان قدرت الهی به گونه ای تثبیت می شود که هرگونه هستی و نیستی در چارچوب اراده و علم خداوند معنا می یابد و مخاطب با پذیرش این نظم گفتمانی، سلطه مطلق الهی را امری بدیهی و فراگیر تلقی می کند.

۵. نتیجه گیری

پس از تحلیل سوره شمس با الهام از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، نتایج زیر به دست آمد:

۵. ۱. روش انتقادی فرکلاف، شیوه ای مناسب برای تحلیل ساختار سوره شمس است و امکان بررسی گفتمان سوره و کارکرد اجتماعی آن را در اختیار تحلیل گر قرار می دهد. بر اساس این روش، با عبور از لایه های خرد و ملموس متن و دستیابی به ساختار کلان، نظام ارزشی جامعه بشری که سوره شمس بر پایه دو مفهوم «تزکیه» و «شقاوت» ترسیم می کند، آشکار می شود.

۵. ۲. تحلیل سوره شمس در سطح توصیف، نحوه به کارگیری نشانه های زبانی و سبک گفته پردازی الهی را در بیان دو کلان معنای «رستگاری» و «زیان کاری» روشن می سازد. ابهام سازی در فاعل برای تسهیل پذیرش مخاطب، تغییر

ضمایر از مفرد به جمع به منظور اجتماعی سازی موضوع، و استفاده از جملات خبری به جای جملات امری، همگی در جهت افزایش میزان پذیرش پیام از سوی مخاطب عمل می کنند. تحلیل بافت موقعیت در سطح تفسیر نشان می دهد که سبک گفته پردازی در لایه متنی، کاملاً با شرایط اجتماعی و زمانی نزول سوره انطباق دارد؛ چراکه قرآن در آغاز فرایند نزول قرار دارد و برای اقناع مخاطب، بهره گیری از جملات امری یا فاعل مشخصی که هنوز مورد پذیرش عمومی قرار نگرفته است، مناسب نیست.

۵.۳. در خصوص گفتمان های حاکم بر سوره شمس، با در نظر گرفتن ویژگی های زبانی و موقعیتی عصر نزول و با تکیه بر نشانه های متنی همچون «قسم» و «روایت»، می توان ادعا کرد که سوره شمس در پی بازسازی دو گفتمان «رستگاری» و «زیان کاری» در جامعه است و هدف آن تبیین نظام ارزشی اسلام در ساختار جامعه موجود می باشد.

۵.۴. در رابطه با نسبت قلمرویی گفتمان سوره شمس با گفتمان های رایج در سطح جامعه عصر نزول، می توان بیان داشت که فضای گفتمانی این سوره در تقابل و موضعی مقاومتی با گفتمان هایی قرار دارد که انحراف و بت پرستی را عامل سعادت می دانستند. سوره شمس با بازنمایی مفاهیم رستگاری و خسران و با بهره گیری از سبک گفته پردازی خاص خود، درصدد اثبات گفتمان رستگاری مبتنی بر تزکیه نفس و خسران مبتنی بر شقاوت است و در این میان، تکذیب پیامبر و نشانه الهی را به عنوان نمونه ای از خسران مبتنی بر شقاوت معرفی می کند.

۵.۵. در نهایت، سوره شمس در لایه های ژرف معنایی خود، قرآن را به عنوان نشانه ای الهی معرفی می کند که نپذیرفتن و تکذیب آن، زمینه ساز عذاب و هلاکت جامعه خواهد بود.

یافته های این پژوهش نشان می دهد که تحلیل گفتمان انتقادی با الگوی فرکلاف می تواند زبان، ایدئولوژی و ساختار گفتمانی آیات قرآنی را در مخزن الاسرار نظامی به طور نظام مند واکاوی کند، به گونه ای که نویسنده هم روش های توصیفی، هم تفسیری و هم تبیینی را در تحلیل ابیات به کار برده و گفتمان الهی را درون متن ادبی بازنمایی نموده است. این نتایج با نتایج پژوهش های پیشین در حوزه تحلیل گفتمان قرآنی همسو است. به عنوان نمونه، مطالعه ای که از «رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» برای بررسی آیات مرتبط با تعامل مسالمت آمیز با منافقان استفاده کرده است، نشان داده است که در سطح توصیف، مولفه های ساختاری واژگان و نقش جملات امری و خبری در آیات با زمینه اجتماعی زمان نزول مطابقت دارد و در سطوح تفسیر و تبیین، ایدئولوژی نهفته در آیات به روشنی نمایان می شود و اهداف تربیتی و اجتماعی آن ها تبیین می شود؛ این نتایج با یافته های فعلی در تحلیل گفتمان آیات مخزن الاسرار سازگار است؛ علاوه بر آن، در مطالعات تطبیقی دیگری که تحلیل گفتمان انتقادی را در متون دینی و ادبی به کار گرفته اند، مشخص شده است که رویکرد سه سطحی فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) امکان آشکار سازی رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را فراهم می آورد و می تواند در متون ادبی و مذهبی به طور همزمان هم ساختارهای زبانی را بررسی کند و هم مناسبات قدرت را در بافت اجتماعی و فرهنگی بازنمایی نماید. این یافته ها با نتایج مقاله حاضر تطابق دارد و نشان می دهد که گفتمان کاوی به ویژه در متون دینی - ادبی، می تواند به روشنی بازنمایی ایدئولوژیک و پیام قدرت را مشخص سازد (فاتحی زاده و محمدی لنگرودی، ۱۴۰۳).

بنابراین، نتیجه گیری این پژوهش نه تنها با اصول نظری تحلیل گفتمان فرکلاف سازگار است، بلکه با پژوهش های مشابه در حوزه تحلیل گفتمان قرآنی (به ویژه استفاده از سطوح توصیف، تفسیر و تبیین) نیز همسو می باشد و به

گسترش کاربرد این رویکرد در حوزه ادبیات کلاسیک فارسی کمک می‌کند؛ درضمن یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظامی توانسته است گفتمان الهی را در قالب شاعرانه و ادبی بازتولید کند بدون آنکه ماهیت ایدئولوژیک آن تغییر کند. این نتایج با پژوهش‌های معاصر در حوزه تحلیل گفتمان قرآنی همسو است و اهمیت کاربرد نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در متون ادبی کلاسیک فارسی را برجسته می‌سازد. بررسی این متون نه تنها وفاداری شاعر به متن قرآنی را آشکار می‌سازد، بلکه ظرفیت ادبی و زبانی او در بازنمایی قدرت و ایدئولوژی را نیز نمایان می‌کند.

۶. پیشنهاد پژوهش‌های آتی

روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف می‌تواند در پژوهش‌های آتی برای بررسی سایر منظومه‌های نظامی، مانند لیلی و مجنون یا خسرو و شیرین، به کار رود. همچنین امکان بررسی تطبیقی گفتمان الهی در شعر فارسی و عربی کلاسیک فراهم است و می‌تواند به کشف الگوهای بازتولید قدرت و ایدئولوژی در ادبیات کلاسیک کمک کند.

۷. منابع

- القرآن الکریم

۱. آذرنیوار، محمد، محرمی، رضا (۱۴۰۳). «وجوه و مختصات برجسته مکتب رمانتیسم در مخزن الاسرار نظامی»، قند پارسی، دوره ۷، شماره ۲۴، ص ۴۵-۷۲.
۲. آقاگل زاده، احمد (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان انتقادی: رویکردها و روش‌ها، تهران، نشر نگاه دانش.
۳. آقاگل زاده، فردوس و مریم سادات غیاثیان (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، زبان و زبان‌شناسی، پیاپی ۵: ۳۹-۵۴.
۴. اصغری، فرهاد، بهرامی، مهدی (۱۴۰۳). «فشرده‌سازی و ایجاز در شعر: مطالعه موردی مخزن الاسرار نظامی»، مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۳۵، ص ۲۳-۵۰.
۵. حسن زاده، حسین (۱۳۷۷). تحلیل بلاغی سوره‌های قرآن کریم، تهران، دانشگاه تهران.
۶. حسنی فر، عبدالرحمان (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان به مثابه روش کیفی: بررسی ابعاد و مشخصه‌ها»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۳.
۷. ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان انتقادی آیات تحدی»، پژوهش‌های ادبی قرآنی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۷۷-۱۰۲.
۸. سیدی، عبدالکریم، محفوظی موسوی‌وفا، فاطمه (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمان انتقادی سوره قص بر اساس نظریه نورمن فرکلاف»، مجله علمی-پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۱۸، شماره ۱، ص ۲۳-۵۶.
۹. صادقی، سمانه، ملکی، پارسا، و احمدی، حسین. (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی «آیات نفاق» در قرآن کریم با چارچوب CDA نورمن فرکلاف. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، (۱۱)۱۰، ۱۲-۳۶.
۱۰. صالحی، پیمان، افشار، تینا (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم. پژوهش‌های ادبی-قرآنی.
۱۱. طبرسی، ناصر بن محمد (۱۳۵۹). جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران، انتشارات علمی.
۱۲. فرکلاف، نورمن (۱۳۵۹). زبان و قدرت، تهران، نشر فرهنگ.
۱۳. فرکلاف، نورمن (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان انتقادی: زبان، قدرت و ایدئولوژی، تهران، نشر جنگل.

۱۴. قلی‌پور، محمد، همکاران، تیمور (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی کتاب عرفانی معارف بهاء‌ولد. مجله زبان‌شناسی و ادبیات نظری و کاربردی، ۷(۲).
۱۵. کریمی، مهدی، حسینی، زهرا، و رفیعی، علی. (۱۴۰۲). تحلیل ساحت‌های «مجاهدت» در گفتمان قرآنی بر اساس چارچوب CDA نورمن فرکلاف. فصلنامه جلوه هنر، ۵(۲)، ۳۵-۵۷.
۱۶. کلانتری، صمد، محمد عباس‌زاده، موسی سعادت، رعنا پورمحمد و نیر محمدپور (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان انتقادی با تأکید بر گفتمان انتقادی به‌عنوان روش تحقیق کیفی»، جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۴.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۷). الکافی، ج ۱، قم، مؤسسه الوفاء.
۱۸. مدرس، احمد (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی و نشانه‌شناسی متون»، مجله زبان و ادبیات، دوره ۴، شماره ۱، ص ۴۰۰-۴۲۰.
۱۹. مصطفی‌پارسا، گلپهار، منعی، سارا (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی اسماء و صفات الهی در آثار نظامی. Elmnet.ir.
۲۰. مکاریک، تری (بی‌تا). مقدمه‌ای بر گفتمان و گفتمان‌کاوی، تهران، نشر نی.
۲۱. نظامی، گنجوی (۱۳۷۵). مخزن الاسرار (ویراستار: محمد قاضی)، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
۲۲. یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰)، «تحلیل گفتمان چیست؟»، تحقیقات روابط عمومی، سال دوم، شماره ۶۴.
۲۳. یارمحمدی، محمد (۱۳۹۳). «کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در نقد کتاب و ترجمه»، مجله زبان و ترجمه، دوره ۲، شماره ۴، ص ۵۰-۷۰.
۲۴. یارمحمدی، محمد (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان انتقادی در متون ادبی کلاسیک فارسی»، پژوهش‌های ادبی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۸۹-۱۱۲.
۲۵. یارمحمدی، محمد (۱۳۹۷). «گفتمان و ایدئولوژی در شعر نظامی»، فصلنامه مطالعات ادبی، دوره ۵، شماره ۳، ص ۳۳-۵۸.
۲۶. یارمحمدی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی قدرت و زبان در متون کهن با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۱۰۱-۱۲۵.
27. Fairclough, Norman (1995), *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, London, Longman.
28. Fattahizadeh, Fathyieh & Motamad Langrodi, Fereshteh (2024) ، «Application of Fairclough's Critical Discourse Analysis Model to Quranic Verses Discussing Peaceful Dealing with Hypocrites», *Journal of Islamic Thought and Civilization*, 12(1) p 184-200.